



۲۰۱۷/۰۳/۲۴



بصیر صباح

تحفه قاچاقچیان مواد مخدر به مردم و دولت

" تحقیق مستند در مورد زرع ، تولید و قاچاق مواد مخدر "

قسمت سوم

جنگ های چندین ساله در افغانستان زمینه ساز ایجاد شبکه گسترده مواد مخدر شد که در آن دهقانان، قوماندانان محلی، جنگ سالاران، مقام های حکومتی، پروسس کنندگان هرویین، قاچاقبران و تاجران مواد مخدر دخیل بودند. همچنان ارقام تکان دهنده و تأمل برانگیز فساد گسترده اداری، اختلاس های کلان، کشتار غیر نظامیان، افزایش بی سابقه خشونت علیه زنان، اختلافات پوچ احزاب، آوارگی جوانان در کمپ های غربی، توسعه فقر و فحشا، خودکامگی حکومت و از همه مهمتر دخالت های کشور ها در زرع خشخاش، تولید و قاچاق مواد مخدر و مداخله علنی در نظام دولتی، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان را زیر سؤال برده است.



بر طبق نظریه مرتن اگر کشوری که در آن مواد مخدر تولید می گردد قاچاقبران زیادی وجود دارد اختطاف رواج یافته بخواهد از شر پدیده های مذکور نجات پیدا کند نباید فقط به تخریب مزارع بپردازد و نباید فقط به دستگیری قاچاقبران بپردازد بلکه باید زمینه اشتغال، کار، تجارت، زراعت و سایر فعالیت های مشروع و مطابق با احتیاجات را برای افراد خودش فراهم نماید تا آن ها بتوانند از طرق صحیح و قانونی نیازهای مادی شان را ارضا کنند.

یکی از رفتارهای ناشایسته ای که موجب تباهی و نابودی افراد، خانواده ها، جوامع و ملت ها می گردد و زندگی انسان ها را ویران و کانون گرم خانواده ها را دچار اضمحلال نموده و می پاشاند و مانع رشد، تحول، توسعه و شکوفایی فکری و اجتماعی انسان ها می گردد روی آوردن به تولید، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر می باشد چون افراد با تولید، اعتیاد و قاچاق آن خودش و جامعه اش از کاروان تفکر، تعقل، تحقیق، دانش، معرفت، ترقی، پیشرفت و تمدن بسیار به عقب مانده و گرفتار انحطاط، رکود و عدم تحرک می گردد.

خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد و تولید آن مخالف با موازین دینی، عقلی، انسانی و اخلاقی می باشد و در نزد اندیشمندان و عقلا یک پدیده ضد انسانی و عمل انحرافی به حساب می آید. با کمال تأسف باید اقرار نمود که در افغانستان تولید و قاچاق مواد مخدر رقم بالایی را دارد که این چنین اعمال، به عزت، کرامت انسانی ما لطمه وارد می کند و بر ما لازم و ضروری است که در صدد تعلیل، تبیین و حذف آن برآیم.

چرا افراد دست به تولید و قاچاق مواد مخدر می زنند؟

چرا افراد از طریق مشروع و مطابق با ضرورت های پذیرفته شده اجتماعی به کسب ثروت و پول نمی پردازند که متوسل به این اعمال ضد بشری می شوند و از این طریق می خواهند به ثروت برسند؟ چه عواملی باعث می شود تا افراد به چنین اعمالی روی آورند؟ ...

بر اساس احصائیه های ارائه شده، هم اکنون نزدیک به دو میلیون معتاد در سراسر کشور وجود دارند و پیش بینی می شود که تعداد معتادان به مواد مخدر در کشور، روند رو به رشدی داشته باشد. مبارزه با مواد مخدر در افغانستان نه از سوی کسانی که شعار مبارزه با این پدیده را می دهند؛ جدی گرفته می شود و نه حکومت افغانستان اراده ای برای مبارزه با این پدیده را دارد. گفته می شود که این پدیده جهانی، گاه گاهی به عنوان یک اهرم فشار در مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از سوی برخی حلقات مافیایی نیز استفاده می شود.

اداره جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد اعلام کرده است که افغانها در یک سال گذشته ۳/۹ میلیارد دالر رشوت پرداخته اند. این میزان دو برابر عواید داخلی افغانستان و یک چهارم کمک های تعهد شده جامعه جهانی در کنفرانس توکیو در جاپان است. میزان پرداخت رشوت در یک سال ۲/۵ میلیارد دالر اعلام شده بود که ۲۰ درصد از درآمد ناخالص ملی این کشور به شمار می رود. میزان پرداخت رشوه در افغانستان از سال ۲۰۰۹ میلادی تا سال ۲۰۱۲، چهل درصد افزایش یافته است. میزان دریافت رشوت در بخش خصوصی ۶۰۰ میلیون دالر امریکایی ذکر شده که ۱۵ درصد از مجموع رشوه پرداخته شده در افغانستان را تشکیل می دهد. بر اساس این گزارش در مناطق غربی افغانستان ۷۱ درصد از مردم، شمال شرق ۶۰ درصد، جنوب ۴۰ درصد و مرکز ۳۹ درصد به نهادهای دولتی رشوه پرداخت کرده اند. رشوت دادن در بخش تعلیم و تربیه به صورت بی سابقه افزایش یافته و تعداد افغان هایی که به معلمان در این کشور رشوه می دهند از ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۵۱ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است.

یک نهاد جامعه مدنی فعال در زمینه تحقیقات مرتبط با فساد مالی است، در گزارشی گفته است که فساد اداری و مالی در تمامی جنبه های زندگی در افغانستان رسوخ کرده و پرداخت رشوه توسط مردم کشور دو برابر شد.

افزایش فساد باعث شده است تا دولت برای مقابله با این مشکل اساسی، هم از سوی مردم و نهادهای داخلی کشور و هم از سوی جامعه بین المللی تحت فشار شدید تری قرار گیرد. دید مردم ما و جامعه بین المللی، ادامه فساد می تواند روند توسعه کشور را مختل سازد و همچنین با تضعیف مشروعیت نظام سیاسی موجود در دید مردم، به سرخوردگی

آنان از حکومت منجر شود و موقعیت گروه های شورشی را تقویت کند. به نظر مردم، تشکیلات پولیس و قضایی بیشتر به فساد و رشوه خواری آلوده است. علاوه بر این، فساد مالی و اداری فرضاً عادلانه تر توزیع ثروت و درآمد در جامعه آسیب می رساند و مانع از دسترسی مردم به خدمات دولتی می شود که با مصرف عمومی تهیه و ارائه شده است.

بنا بر سندی که اخیراً سازمان ملل در رابطه با مواد مخدر نشر نموده، افغانستان طی سال جاری، در صدر کشورهای تولیدکننده آن قرار دارد. درین سند آمده که حدود ۲۰۰ میلیون نفر با ارزش بیشتر از ۳۰۰ میلیارد دالر درین کار و بار دخیل اند و تجارت سالانه آن به ۱۳ میلیارد دالر (۹ ملیار دالر به وسیله تاجران بزرگ و ۴ میلیارد دالر آن به وسیله تاجران کوچک) می رسد. مافیای داخلی و یاران بین المللی شان با استفاده از وضع بی ثبات دولت، حاکمیت ملوک الطوایفی، فساد اداری، فقر و بیکاری مردم، بهترین استفاده ها را برای رائج کردن این مواد کرده است و از این خوان چرب، تیروریزم و جنگسالاری نیز سود های کلانی می برد. بی بنیادترین فکر و عمل، محکوم نمودن دهقانان فقیر برای زرع این مواد و چپه کردن مزارع شان به وسیله نیروهای امنیتی است. زیرا اگر شبکه قاچاق چیان از مستی به این کار رو می آورند، دهقانان ما از مجبوری و فقط به خاطر سیر کردن شکم خود و اولاد شان دست به زرع آن می زنند.

دولت و حامیان بین المللی آن محاسبه کنند که آیا اراده و توانایی مقابله با این اختاپوت ها را دارند و یا اینکه در حد مجادله لفظی با آنان اکتفا کرده و در خفا برای هر کدام از شبکه ها چراغ سبز نشان خواهند داد تا با خاطر آرام به کار شان مشغول باشند. اگر پلان فرضی چنین باشد، روشن است به غیر از مردم ما و کسانی که در دنیا بنا به هر دلیلی برای تسکین آلام خود به این مواد رو می آورند متضررین اصلی این سناریو بوده، سود اصلی را سلطان های مواد مخدر و شهزاده های کوچک آنان؛ جنگسالاران و تروریست ها خواهند برد و کشور چندین دهه دیگر به مرکز قاچاق، جنایت و انواع فساد باقی خواهد ماند و مردمش روی خوشبختی را نخواهند دید.

در کابینه اگر وزیر بر ضد جنگسالاری و فساد حرکت ولو بسیار کوچکی انجام دهد، قابل تحمل نیست و باید کنار برود. رمضان بشر دوست که خواست دیگری جز تحت نظارت درآوردن بعضی انجوهایی دزد را نداشت، مجبور ساخته شد استعفا دهد. و این احتمالاً ناشی از فشار مرموزی است که تعدادی از جنگسالاران و مافیای مواد مخدر دولت را در محاصره گرفته اند. استعفای جلالی وزیر داخله آنها به دلیل اینکه تعدادی از والیان جنگسالار خلاف خواستش عزل و نصب می کردند و همچنان چندین بار اعلام نمود که اعضای بلند رتبه دولت در قاچاق مواد مخدر دست دارند و این ادعای جلالی طبعاً به مذاق دولت و حواریون برابر نبود. دولت هر قدر به طرف سیستم شدن پیش برود به همان پیمانه غرق در فساد بیوروکراسی می گردد. حال مردم به وعده های دولت ولو اینکه با نیت پاکش توأم باشد و صادقانه آن را بخواهد باور نمی کنند، چون می دانند توان تحقق خواست هایش را ندارد. مردم در عمل دیدند که دولت بلد است حرف های دل خوش کن بزند که اصلاً قادر به انجام آن نیست. وقتی او در برابر حادثه ای قرار گرفت عموماً از دید، موضع و خواست مردم به آن برخورد می کند اما فرمایش چون تشویش از عواقب آن دارد و یا هم احتمالاً تهدیدی دریافت کرده بلافاصله لاجول کرده خلاف قرار خود عمل می کند و مردم را در حیرت و تعجب فرو می برد.

چنانچه به فرض وقتی والی بلخ، هلمند، مسئولین امنیتی ولایت قندهار، زابل، ارزگان، بدخشان، تخار و... را بی کفایت تشخیص داد، تشویش دارد او را خانه نشین سازد تا مبادا با چند ملا منصور دیگری مواجه شود، نتیجتاً سکوت

مرگ بار را اختیار نموده که نشود دل یاران جنگسالار دولت برنجد. سازش، تمکین، ملاحظه کاری و سیاست کجدار و مریز هم از خود حد و مرزی دارد. آیا دولت و حواریون هرگز از خود پرسیده اند وقتی افرادی از کار برکنار شده اند برای اینکه آنان از نزدش «خفه» نباشند در ارگ به عنوان معاون و مشاور و چپی و چپی خود گرفته و برای شان مستمری تعیین کرده، در چه زمینه ای کار می گیرد؟ آیا کرزی قادر به گفتن پاسخ این سؤال است که این گروه لمیده در ارگ با آن آرگاه و بارگاه و مصارف گزاف چه کار سودمندی به افغانستان و مردم آن انجام می دهند؟

عامل در تولید و تجارت مواد مخدر عدم هماهنگی با همسایگان افغانستان در مبارزه علیه تجارت و قاچاق مواد مخدر است. مافیای قاچاق مواد مخدر متشکل از مافیای داخلی، منطقوی و بین المللی می باشد. دولت افغانستان در گذشته مبارزه مؤثر و ثمر بخشی علیه مافیای داخلی تجارت و قاچاق مواد مخدر انجام نداده و در مبارزه با مافیای منطقوی مواد مخدر که از مافیای کشورهای همسایه در تبنای با مافیای داخلی قرار داشته و دارند و نیز برنامه و عملکرد مؤثر نداشته است. ایجاد یک میکانیزم درست با کشورهای همسایه بر سر مبارزه مشترک با مافیای تولید و قاچاق مواد مخدر می تواند پیروزی را در این مبارزه نصیب دولت بسازد. در این تردیدی نیست که مافیای مواد مخدر همانگونه که در داخل کشور از قدرت و نفوذ برخوردار هستند در کشورهای همسایه نیز این مافیا تا درون حکومت ها و مراکز قدرت ریشه و نفوذ دارند. اما موجودیت یک میکانیزم و اصول روشن توافق شده میان دولت افغانستان و دول همسایه و هماهنگی صادقانه در تطبیق آن می تواند به تضعیف و سرکوبی مافیای منطقوی مواد مخدر بیانجامد. فراموش نباید کرد که هرگونه توافق و هماهنگی منطقوی در مبارزه با تجارت و قاچاق مواد مخدر می باید جلب و حمایت و همکاری جامعه بین المللی را داشته باشد. و همچنانکه که میکانیزم مبارزه با مافیای داخلی و منطقوی قاچاق مواد مخدر با جامعه بین المللی برای در هم شکستن و نابودی مافیای بین المللی قاچاق مواد مخدر مورد توافق و عمل قرار بگیرد. چون مافیای بین المللی مواد مخدر که شبکه های آن در آسیای میانه، اروپا و امریکا گسترده است در ایجاد مافیای منطقوی و داخلی قاچاق مواد مخدر نقش اصلی دارد.